

## **Methods and Indicators for the Evaluation of Scientific Production in the Humanities and Social Sciences: A Systematic Review**

Farzaneh Ghanadinezhad<sup>1\*</sup>  
Gholamreza Heidari<sup>2</sup>

1. PhD Candidate, Knowledge and Information Science, Shahid Chamran University of Ahvaz.  
(Corresponding Author)
2. Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Razi University.  
Email: ghrhedari@gmail.com

Email: Farzaneh.ghanadinezhad@gmail.com

### **Abstract**

Date of Reception:  
14/02/2020

Date of Acceptation:  
29/03/2020

**Purpose:** The purpose of the present study is to review the findings of the researches of Iranian and world research on the evaluation of scientific products in the fields of humanities and social sciences and suggested methods and indicators for evaluating scientific products in these fields.

**Methodology:** This study was conducted using a systematic review method. For this purpose, relevant researches were searched in international and domestic databases without regard to time limit and finally, a total of 45 articles were analyzed.

**Findings:** Given that publishing and citation patterns in the humanities and social sciences are different from basic, natural and engineering sciences, they cannot be compared and evaluated with the same methods and indices. The unique nature of humanities and social science research is such that quantitative methods such as bibliometric and scientometric methods cannot be used to assess the quality of research in this field.

**Conclusion:** In order to evaluate the quality of the scientific outputs of humanities and social sciences, quantitative approaches should be considered as complementary methods along with qualitative approaches. The indicators and criteria used for these areas should be a combination of quantitative and qualitative indicators.

**Keywords:** Assessment Methods, Assessment Indicators, Scientific Productions, Humanities and Social Sciences, Systematic Review.

## روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

فرزانه قنادی نژاد<sup>\*۱</sup>

غلامرضا حیدری<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه رازی.

Email: ghrhedari@gmail.com

Email: Farzaneh.ghanadinezhad@gmail.com

### چکیده

**هدف:** در پژوهش حاضر بر این است تا به مرور یافته‌های پژوهش‌های ایران و جهان در خصوص ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و روش‌ها و شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی برون‌دادهای علمی در این حوزه‌ها پرداخته شود.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر با استفاده از روش مرور نظام‌مند انجام شده است. بدین منظور، پژوهش‌های مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی و داخلی بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی مورد جستجو قرار گرفتند و در مجموع، ۴۵ مقاله مورد تحلیل قرار گرفتند.

**یافته‌ها:** با توجه به اینکه الگوهای انتشاراتی و استنادی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با علوم پایه، طبیعی و مهندسی متفاوت است، مقایسه و ارزیابی آنها با روش‌ها و شاخص‌های یکسان امکان‌پذیر نیست. طبیعت منحصربه‌فرد پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی به صورتی است که نمی‌توان از روش‌های کمی مانند روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های این حوزه استفاده کرد.

**نتیجه‌گیری:** برای ارزیابی کیفیت برون‌دادهای علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، لازم است رویکردهای کمی نیز به عنوان روش‌های تکمیلی در کنار رویکردهای کیفی مورد توجه قرار گیرند. شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده برای این حوزه‌ها باید ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی باشد.

**واژگان کلیدی:** روش‌های ارزیابی، شاخص‌های ارزیابی، تولیدات علمی، علوم انسانی و اجتماعی، مرور نظام‌مند.

صفحه ۲۳۰-۲۰۳

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۰

## مقدمه و بیان مسئله

علوم انسانی و اجتماعی در ایران، به دلایل مختلف دارای اهمیت هستند. یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت این علوم، نگرانی‌های اساسی مردم و دولت در تاریخ معاصر ایران به مسئله توسعه و پیشرفت و وجود رابطه تنگاتنگ میان توسعه و علوم انسانی و اجتماعی است. بر اساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، تولید علم یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت جوامع است و در میان تمام علوم، علوم انسانی و اجتماعی رابطه بهتری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارند؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب‌های نظری توسعه‌یافتگی بر آنها استوار است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که وضعیت تولید علم در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست و این علوم در دانشگاه‌های کشور در دوره پس از انقلاب نسبت به پیش از آن دچار پسرفت شده است، به نحوی که از نظر تولید علم در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، ایران در میان کشورهای منطقه خاورمیانه در رتبه‌های آخر قرار گرفته است (قاسمی و امامی در کشور، ارزیابی مداوم آن به منظور ارتقای جایگاه آن برای پیشبرد اهداف کشور ضروری است. ارزیابی درست و خردمندانه جنبه‌های مختلف این علوم به خصوص تولیدات علمی این حوزه‌ها، زمینه‌ساز بهره‌وری هرچه بیشتر از تمامی سرمایه‌های یک ملت و از جمله نیروی انسانی پژوهشگر و افزایش کیفیت پژوهش‌ها و نتایج به دست آمده از آنهاست؛ بنابراین، وجود روش‌ها و معیارهای قابل قبول، امری مهم و کلیدی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی در این حوزه‌هاست.

علوم انسانی و اجتماعی برخلاف سایر علوم که با پدیده‌های مادی و قابل کنترل در ارتباط هستند، با مطالعه و بررسی پدیده‌های متغیر و پیچیده انسانی و اجتماعی در جامعه و حل مسائل و مشکلات انسان در جامعه سروکار دارند. در واقع، علوم انسانی و اجتماعی از حیث ماهیت، موضوع و روش‌شناسی با سایر علوم متفاوت‌اند؛ بنابراین معیارهای ارزیابی برای علوم انسانی و اجتماعی باید با توجه به ماهیت آنها طراحی و به کار گرفته شوند. شاخص‌ها و معیارهای به کاررفته در سایر علوم نمی‌توانند به همان صورت و بدون تغییر برای حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کاربرد داشته باشند. در این راستا، قانعی‌راد (۱۳۹۶) اشاره می‌کند که علوم انسانی و اجتماعی از برخی جهت‌ها مانند سایر علوم است و برای ارزیابی آن می‌توان از شاخص‌های مشترک ارزیابی کلیه علوم استفاده کرد؛ از سوی دیگر، دارای سرشت و ویژگی‌های خاص خود است و ارزیابی آن مستلزم تدوین شاخص‌های اختصاصی است. وی اشاره می‌کند که از اواسط قرن نوزدهم تاکنون در مورد تفاوت‌های علوم انسانی و سایر علوم (پایه، طبیعی، فنی و مهندسی) بحث و گفتگو وجود داشته است و اندیشمندان مختلف برای تمایز دانش‌های مزبور از مفاهیمی چون علوم فرهنگی، علوم روحی و انسانیت استفاده کرده‌اند. این تفاوت‌گذاری‌ها هم به ابعاد نظری و روش‌شناختی این دسته از دانش‌ها بازمی‌گردد و هم به کارکردها و نقش‌های آنها در جوامع بشری.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که برای رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در این خصوص وجود دارد، نبود شاخص‌ها و معیارهای عملیاتی و استاندارد برای ارزیابی برون‌دادهای علمی این علوم است. به عبارت دیگر، نبود شاخص‌هایی روشن و دقیق که در سطح بین‌المللی مورد قبول باشد و به لحاظ اعتبار و قابلیت پیاده‌سازی و ابعاد دیگر از سوی صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفته باشند، یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که در فرایند ارزیابی علوم انسانی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد کرده است؛ بنابراین، لازم است با رویکردی تازه و منطبق با ویژگی‌ها و پارادایم‌های غالب علوم انسانی و اجتماعی به ارزیابی این علوم پرداخت و معیارها و شاخص‌هایی طراحی کرد که بتوانند پیشرفت

علمی و تولید علم در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی را به نحو مطلوب ارزیابی کنند. با توجه به اشاراتی که در خصوص اهمیت ارزیابی برون داده‌های علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی در این حوزه‌ها صورت گرفت، ضرورت ارائه تصویری از مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه روشن می‌شود. مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیتی که این مطالعات دارند، پژوهشی در ارتباط با مرور و تحلیل یافته‌های مطالعات مربوط به ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی صورت نگرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا با مروری نظام‌مند، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ایران و جهان را در خصوص تفاوت‌های میان الگوهای انتشاراتی و استنادی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی با سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی)، آسیب‌شناسی کاربرد روش‌های کمی و علم‌سنجی در ارزیابی علوم انسانی و اجتماعی و روش‌ها و شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی برون داده‌های علمی در این حوزه‌ها ارائه دهد. تحلیل و بررسی این مطالعات می‌تواند خلأها و کاستی‌های پژوهش در این زمینه را نشان دهد و پژوهشگران آینده را در جهت توسعه علم در این زمینه سوق دهد. لازم است اشاره شود که منظور از علوم انسانی و اجتماعی در پژوهش حاضر، علوم پایه، طبیعی و مهندسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و زبان‌شناسی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، انسان‌شناسی، هنر، ارتباطات، علوم تربیتی، مدیریت، علوم سیاسی، الهیات، مشاوره و علم اطلاعات و دانش‌شناسی اشاره دارند.

### سؤال‌های پژوهش

۱. الگوهای انتشاراتی و استنادی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی چه تفاوت‌هایی با تولیدات علمی سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) دارند؟
۲. آسیب‌ها و چالش‌های ارزیابی روش‌های کمی و علم‌سنجی در علوم انسانی و اجتماعی کدام‌اند؟
۳. مهم‌ترین روش‌ها و معیارهای پیشنهادی برای ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی کدام‌اند؟

### چارچوب نظری

علوم انسانی و اجتماعی مانند دیگر حوزه‌های علمی دارای رسالت تولید علم و دانش هستند. توسعه علوم انسانی نقشی راهبردی در توسعه دانش و فناوری به‌طور کلی دارد (خورشیدی و پیشگاهی، ۱۳۹۱). در واقع، نقطه شروع صنعت در کشورهای پیشرفته در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است و در گرو اطلاعاتی است که متخصصان این علوم آن را جمع‌آوری کرده و به صنعتگران داده‌اند و بعدها از صنعت سر درآورده است (شمشیری، ۱۳۸۵). از این رو، پرداختن به موضوع علوم انسانی و اجتماعی و بذل توجه به توسعه دانش و ارزیابی آن در این حوزه، پایه‌ای برای توسعه جوامع در عرصه‌های گوناگون است، به ویژه این مهم در جامعه در حال تحول ایران نیازمند تأمل بیشتری است (ساک، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است که علوم انسانی و اجتماعی در ایران نه تنها در سطح بین‌المللی، بلکه در سطح داخلی نیز در قیاس با سایر حوزه‌های دانش از اعتبار، جایگاه و وضعیت مناسبی برخوردار نیست (فاضلی، ۱۳۸۴؛ بختیاری، ۱۳۸۵). در این راستا، پاریاد (۱۳۸۷) در بیان چالش‌های تولید دانش در علوم انسانی اشاره می‌کند که تولید علم در علوم انسانی در ایران دچار فقر کیفیت و نظریه‌پردازی و مطالعات بنیادی در علوم انسانی، ضعیف و اندک است. پژوهش‌های کیفی در این حوزه‌ها نه به‌درستی شناخته شده است و نه رواج و رونقی دارد. بر اکثر مقالات علوم انسانی

روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

و اجتماعی یک نگرش پوزیتیویستی ناآگاهانه (و گاه آگاهانه) حاکم است و همین نگرش نیز در بسیاری از مقالات علمی-پژوهشی در روش و محتوای مقالات علوم انسانی غربی نمود پیدا می‌کند. دیدگاه‌هایی که علوم انسانی را صرفاً بر تجربه‌گرایی و حسی‌گرایی و فلسفه تحصیلی قرار می‌دهند، جلوه‌هایی سطحی از تولید علم را به نمایش می‌گذارند و به دور از معناداری پژوهشی و ناتوان از حل ریشه‌ای مشکلات در علوم انسانی هستند (پاریاد، ۱۳۸۷). همین امر لزوم ارزیابی کمیت و کیفیت تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی را به منظور ارائه تصویری روشن از کارکرد و ساختار علمی این حوزه‌ها و تعیین نقاط ضعف در آنها روشن و امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رفع چالش‌های این حوزه‌ها را فراهم می‌سازد. باید توجه داشت که علوم انسانی و اجتماعی را نمی‌توان به دلیل تفاوت‌های ذاتی که با علوم پایه، طبیعی و مهندسی دارند، با روش‌ها و معیارهای رایج در این علوم ارزیابی کرد؛ بنابراین لازم است برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علمی مطلوب در علوم انسانی و اجتماعی که جلوه‌های آن را می‌توان در شناسایی اولویت‌های پژوهشی، ارزیابی عملکرد پژوهشگران و پژوهشگاه‌ها دید، با توجه به تفاوت‌های موجود در ماهیت و کارکردهای این علوم صورت گیرد. مسئله ویژگی‌های انتشاراتی و استنادی علوم انسانی و اجتماعی و تفاوت‌های موجود میان این حوزه‌ها با علوم پایه، طبیعی و مهندسی و ارزیابی تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با توجه به این ویژگی‌های ذاتی، بحثی است که توسط پژوهشگران مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون در داخل و خارج از کشور مورد توجه قرار گرفته است و در ادامه به مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌شود.

## پیشینه پژوهش

### پیشینه پژوهش در داخل

فاضلی (۱۳۸۴) به بررسی انتقادی مسئله چاپ مقاله در نشریات بین‌المللی که به مثابه یک شرط ضروری برای ارتقای اعضای هیئت علمی محسوب می‌شود، پرداخت. وی ضمن تأیید اهمیت چاپ مقاله خارجی به مثابه شکلی از تولید و انتقال ایده و دانش در رشته‌های علوم انسانی، تلقی آن به مثابه یک شرط اجتناب‌ناپذیر را مورد نقد قرار داد. فاضلی در ادامه به بررسی تفاوت‌های رشته‌ای، گفتمانی و اجتماعی در علوم انسانی ایرانی و غرب پرداخت و محدودیت‌های گفتمانی و اجتماعی نشر مقالات ایرانی در این نشریات را تحلیل کرد.

پاریاد (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف بیان نارسایی‌های پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی اشاره می‌کند که همان‌طور که حوادث و پدیده‌های طبیعی، اموری واقعی و قابل بررسی و تحقیق هستند، پدیده‌های اجتماعی، روانی و رفتار انسانی نیز امور واقعی و قابل تحقیق و بررسی‌اند. تنها ابزار و روش‌های پژوهش در علوم انسانی متفاوت از علوم تجربی است. پژوهش‌های مربوط به علوم انسانی چون به‌طور مستقیم با انسان و ابعاد روانی و اجتماعی او سروکار دارد، پیچیده‌تر و مشکل‌تراست. وی در ادامه اشاره می‌کند که جدا از ایرادهای اساسی که ممکن است در مورد معیارهای تولید علم و مقالات علمی-پژوهشی معمول در میان غربیان داشته باشیم، حتی مطابق همان معیارها نیز، با سه مشکل اساسی مواجه هستیم: اول آنکه، جایگاه قابل ملاحظه‌ای در انتشار مقالات علمی-پژوهشی نداریم؛ دوم آنکه وضع انتشار مقالات علوم انسانی ایرانی در مجلات آی.اس.آی. در پایین‌ترین سطح است؛ و سوم آنکه، مقالات علوم انسانی هم دچار فقر کمی و هم گرفتار ضعف‌های اساسی کیفی و نظری است.

داورپناه (۱۳۸۹) به ارائه الگویی ترکیبی (کمی و کیفی) و سازوکاری مقایسه‌ای برای سنجش قدرت و ضعف رشته‌های علمی به منظور تحلیل حوزه‌های علمی در سطوح ملی و جهانی پرداخت و با استفاده از شاخص‌های

مختلف علم سنجی، در عرصه مقاله‌های نمایه‌شده حوزه علوم اجتماعی کشور مالزی در SSCI طی یک دوره ده ساله (۲۰۰۸-۱۹۹۹) مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که: (۱) تکیه صرف بر یک شاخص علم‌سنجی نمی‌تواند ابزاری چندان کارآمد برای ارزیابی برون‌داد علمی باشد؛ و (۲) «شاخص توان علمی» معرفی‌شده در این پژوهش می‌تواند مبنای کمی قابل اطمینانی برای مقایسه و سنجش قدرت و ضعف رشته‌های درون یک حوزه مشخص باشد. داورپناه اشاره داشت که محاسبه شاخص توان علمی بر مبنای تعداد انتشارات، تعداد استناد، تعداد استناد نشده‌ها، حجم انتشارات و استنادهای مجموعه است. در این شاخص، داده‌ها برحسب نوع مدرک، دوره زمانی، موضوع و پنجره استنادی محاسبه و نرمال‌سازی می‌شوند و بر این اساس، امکان مقایسه رشته‌های درون حوزه میسر خواهد شد. افشاری، مهram و نوغانی (۱۳۹۲) به تدوین شاخص‌های کیفیت برای ارزیابی مقاله‌های علمی-پژوهشی حوزه علوم انسانی، مبتنی بر نظریه هنجارهای علم مرتون پرداختند. روش این پژوهش ترکیبی از پیمایش و تحلیل محتوا و جامعه مورد مطالعه شامل (۱) کاربرگ‌های ارزیابی مقاله‌های علمی مجله‌ها در دانشگاه‌های معتبر داخلی و خارجی (۳۵ کاربرگ) و (۲) ۷ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه هنجارهای علم بود. یافته‌ها نشان از وضعیت نامطلوب کاربرگ‌های ارزیابی در انطباق با هنجارهای علم مرتون داشت. با استخراج شاخص‌های ارزیابی مقاله‌ها از کاربرگ‌های ارزیابی، استخراج مؤلفه‌های هنجار علم مرتون و به‌دست‌آوردن خلأ کاربرگ‌های ارزیابی مقاله‌ها، سیاهه نهایی ارزیابی مقاله‌ها با ۴۸ گویه و ۴ طیف ارائه شد.

میرزایی، غائبی و کامران (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف شناسایی معیارهای ارزیابی نشریات علمی در سطح ملی و بین‌المللی از دیدگاه سردبیران و دست‌اندرکاران نشریات علمی فارسی در حوزه علوم انسانی انجام دادند. آنها در این پژوهش از ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای، دلفی و پیمایشی استفاده کردند. نتایج پژوهش، ارائه لیستی یک‌دست شامل هفتاد و نه معیار برای ارزیابی نشریات علمی بود.

مرادی (۱۳۹۳) با بررسی گذر پارادایمی از پژوهش‌های کمی به پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی به بررسی پارادایم‌های رایج و روش‌های پژوهش کیفی همراه با معیارهای ارزیابی کیفی آنها پرداخت. به عقیده وی، درک مبانی نظری و فلسفی پژوهش کیفی می‌تواند پژوهشگران حوزه علوم انسانی را تشویق به ارزیابی و استفاده از روش کیفی به‌منظور تحت تأثیر قراردادن عملکرد خودشان کند. مرادی مبانی دو پارادایم رایج علمی یعنی اثبات‌گرایی/فرااثبات‌گرایی و تفسیری را بررسی و ارتباط مبانی پارادایمی و روش‌شناسی آنها را ارائه داد. درنهایت نیز، راهبردهای افزایش کیفیت پژوهش کیفی را بررسی و با راهبردهای پژوهش کمی مقایسه کرد.

رضایی و نوروزی چاکلی (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران ایران با استفاده از روش‌های پیمایشی و اسنادی ارائه دادند. جامعه پژوهش شامل ۸۰ نفر از پژوهشگران برتر کشور طی دوره ۲ ساله (۱۳۹۰-۱۳۸۹)، از ۴ حوزه موضوعی علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی و فنی-مهندسی بودند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که برای پژوهشگران حوزه علوم انسانی شاخص‌های مربوط به کتاب اهمیت زیادی داشت، درحالی‌که برای پژوهشگران علوم پایه و علوم پزشکی، شاخص‌های مربوط به مقاله‌های بین‌المللی اهمیت بیشتری داشت و از نظر پژوهشگران فنی-مهندسی شاخص‌های مربوط به اختراعات و طرح‌های تحقیقاتی نسبت به سایر شاخص‌ها از اعتبار بیشتری در ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران برخوردار بود.

در پژوهشی دیگر، رضایی و نوروزی چاکلی (۱۳۹۴) شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی دانشگاه‌های ایران را با استفاده از روش اسنادی و پیمایشی و بر اساس نظر مدیران و معاونان پژوهشی دانشگاه‌های کشور، شناسایی و

روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

اعتبارسنجی کردند. یافته‌ها نشان دادند که بر اساس نظر مدیران و معاونان پژوهشی سه نوع دانشگاه جامع، صنعتی و علوم پزشکی، شاخص‌های مربوط به جایگاه، اعتبار زیادی در ارزیابی بهره‌وری پژوهشی دانشگاه‌ها داشتند. در بین شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی دانشگاه‌ها، شاخص‌های مربوط به مؤلفه کتاب، بیشترین اهمیت را نزد معاونان و مدیران پژوهشی دانشگاه‌های جامع داشتند. سه مؤلفه پژوهانه، اختراعات و طرح‌های تحقیقاتی از اهمیت بالایی نزد معاونان و مدیران پژوهشی دانشگاه‌های صنعتی، نسبت به معاونان و مدیران پژوهشی دو نوع دانشگاه دیگر برخوردار بودند. همچنین شاخص‌های مربوط به مؤلفه مقاله، بیشترین اعتبار و اهمیت را نزد معاونان و مدیران پژوهشی دانشگاه‌های علوم پزشکی داشتند.

نوروزی چاکلی، قضاوی و طاهری (۱۳۹۴) در پژوهشی با در نظر گرفتن وجود تفاوت‌های بین عملکرد پژوهشی حوزه‌های علمی مختلف، از طریق وزن‌دهی و ارزش‌گذاری مؤلفه‌های مربوط به تولیدات علمی این حوزه‌ها، شاخص‌های فعلی ارزیابی را جهت ارزیابی دقیق‌تر عوامل تولید علم در حوزه‌های گوناگون تعدیل کردند. پژوهش با استفاده از روش‌های علم‌سنجی، تحلیل محتوا و تکنیک ارزیابانه انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل پژوهشگران، فناوران، مدیران پژوهشی و مدیران فناوری برتر کشور بودند. طبق نتایج حاصله، در حوزه فنی و مهندسی، اختراعات؛ در حوزه علوم پایه، مقاله خارجی؛ در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، کتاب و در علوم پزشکی نیز، مقاله خارجی بالاترین وزن را نسبت به سایر قالب‌های اطلاعاتی دارند. با تقسیم وزن‌های به‌دست‌آمده برای هر یک از شاخص‌های انتشاراتی، ارزش هر نوع از تولیدات علمی در یک حوزه نسبت به تولیدات علمی دیگر حوزه‌ها و سایر تولیدات همان حوزه نسبت به یکدیگر حاصل گردید.

صمدی، ناخدا، نوروزی چاکلی و اسدی (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف شناسایی تفاوت‌های موجود میان شیوه استناددهی و نوع مدارک مورد استناد در حوزه هنر، به‌ویژه نقاشی انجام دادند. این پژوهش با استفاده از روش‌های پیمایش، مرور متون، تحلیل محتوای کمی، تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل اعضای هیئت علمی گروه نقاشی دارای تولیدات علمی در دانشگاه‌های هنر در تهران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ بودند. یافته‌ها نشان دادند که مهم‌ترین مدارک برای استناددهی توسط هنرمندان رشته نقاشی، کتاب فارسی، کتاب انگلیسی، مقاله مجله فارسی و وب‌سایت‌ها بودند. استنادهای رسمی در حوزه هنر رایج نبوده و استنادها از نوع پنهان بودند و نیز به لحاظ متفاوت بودن نوع منابع اطلاعاتی، عمر منابع اطلاعاتی و استفاده از استنادهای پنهان در این حوزه بسیار متفاوت‌تر از سایر حوزه‌ها بودند. همچنین میان افراد جامعه مورد مطالعه، در خصوص انواع مدارک مورد توجه برای استناددهی با آنچه در رزومه‌هایشان دیده می‌شود، تفاوت معناداری وجود داشت.

در پژوهشی دیگر، صمدی، ناخدا، نوروزی چاکلی و اسدی (۱۳۹۸) به شناسایی چالش‌های آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی برای هم‌ترازسازی برون‌دادهای غالب رشته موسیقی پرداختند. این پژوهش با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای، پیمایشی و تحلیل محتوا انجام گرفت و رزومه ۹۰ نفر از اعضای هیئت علمی تمام‌وقت و مدعو رشته موسیقی دانشگاه‌های دولتی کشور بررسی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که برون‌داد علمی غالب در رشته موسیقی مربوط به «آهنگ‌سازی» بود، درحالی‌که برای آن در آیین‌نامه ارتقای جایگاهی تعریف نشده و تنها به صورت کلی، عبارت «آثار بدیع و ارزنده هنری» به کار رفته بود و امتیازی نه‌چندان زیاد برای آن در نظر گرفته شده بود که این امر باعث نادیده گرفتن توانایی‌ها و فعالیت‌های عمده اعضای هیئت علمی رشته موسیقی شده بود. پژوهشگران برای رفع این مسئله، برون‌دادهای قابل ارائه در رشته موسیقی را که می‌تواند با برون‌دادهای پیش‌بینی شده

در آیین نامه ارتقاء هم‌ترازسازی شود ارائه دادند.

حسینی، مرآتی و نورمحمدی به توصیف کیفی شاخص‌های کاربرگ‌های ارزیابی مجلات علمی-پژوهشی هنر، شناسایی کاستی‌های آنها در مقایسه با هنجارها و ضدهنجارهای علم و تدوین کاربرگ جدید پرداختند. روش این مطالعه ترکیبی از پیمایش و تحلیل محتوا و جامعه مورد مطالعه شامل: (۱) ۹ کاربرگ ارزیابی مجلات علمی-پژوهشی هنر و (۲) ۱۴ نفر از متخصصان حوزه‌های علم‌سنجی و هنر بودند. نتایج به‌دست آمده، حاکی از پراکندگی و توزیع نامتوازن مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی در این کاربرگ‌ها و نیز، عدم انطباق آنها بر الزامات نهادی علم بود. در نهایت، کاربرگ ارزیابی جدید، با ۱۰ مؤلفه و ۴۴ شاخص تدوین شد.

### پیشینه پژوهش در خارج

ندرهورف<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی سودمندی شاخص‌های کتاب‌سنجی برای علوم انسانی و اجتماعی و علوم رفتاری: مطالعه مقایسه» به بررسی سودمندی شاخص‌های کتاب‌سنجی برای پژوهش‌های پنج رشته در علوم انسانی (تاریخ اجتماعی، زبان‌شناسی عمومی، ادبیات به‌طور کلی، ادبیات هلندی و زبان هلندی) و سه رشته در علوم رفتاری (روان‌شناسی، انسان‌شناسی و مدیریت عمومی) در هلند و مقایسه شاخص‌ها در میان این رشته‌ها پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که شاخص‌های کتاب‌سنجی برای همه رشته‌ها به‌طور بالقوه برای نظارت بین‌المللی سودمند بودند. به‌ویژه در رشته‌های زبان هلندی، ادبیات هلندی و مدیریت عمومی، شاخص فراوانی استناد در داده‌های آی.اس.آی. برای کنترل تأثیر ملی سودمند بودند.

فینکنسدت<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) در پژوهشی با عنوان «سنجش عملکرد پژوهش در علوم انسانی» به بیان مشکلات مختلف استفاده از روش‌های ارزیابی کمی برای پژوهش‌های حوزه علوم انسانی پرداخت. وی بر این باور بود که طبیعت منحصر به فرد پژوهش‌های حوزه علوم انسانی به‌صورتی است که نمی‌توان از روش‌های کمی مانند روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های این حوزه استفاده کرد.

والتمن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) با اشاره به وجود تفاوت‌هایی که در میان حوزه‌های علمی مختلف وجود دارد، شاخص کراون جدید<sup>۴</sup> را که برای نرمال‌سازی میزان استنادات به کار می‌رود مورد نقد قرار داده و به معرفی شاخص دیگری به نام شاخص استنادی نرمال‌شده در سطح رشته (MNCS) به‌عنوان جایگزینی برای آن، به‌منظور مقایسه و ارزیابی دقیق‌تر تولیدات علمی در حوزه‌های مختلف پرداختند.

تورس سالیناس<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود به ارائه یک شاخص دوبعدی به‌عنوان یک روش برای رتبه‌بندی مؤسسات دانشگاهی که هم تولید خالص و هم کیفیت آن را در نظر می‌گیرد، پرداختند. این شاخص یک روش جامع و عینی برای مقایسه تولیدات علمی مؤسسات مختلف در یک حوزه خاص را فراهم می‌کند که با به‌کارگیری مشارکت و استنادات مجلات صورت می‌گیرد. شاخص پیشنهادی به‌عنوان یک مطالعه موردی برای رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر اسپانیا در رشته‌های شیمی و علوم کامپیوتر طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ مورد استفاده قرار گرفتند که نتایج نشان از مناسب بودن روش رتبه‌بندی بود.

1. Nederhof
2. Finkenstaedt
3. Waltman
4. New Crown Indicator
5. Torres-Salinas



سیورتنسن و لارسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) به ارزیابی سودمندی شاخص‌های علم‌سنجی برای علوم انسانی و اجتماعی و بیان مشکلات مختلف استفاده از روش‌های کمی جهت سنجش کیفیت پژوهش‌های این حوزه پرداختند. آنها اشاره داشتند که الگوهای انتشاراتی علوم انسانی، نسبت به سایر حوزه‌های پژوهشی، غیریکنواخت‌تر و ناهمگن‌تر هستند. در برخی رشته‌ها، کتاب‌ها (تک‌نگاشت یا مقالات در کتاب‌های ویرایش‌شده) حتی می‌توانند از مقالات نیز مهم‌تر باشند. شاخص استناد نمی‌تواند برای علوم اجتماعی و علوم انسانی کاربرد زیادی داشته باشد؛ زیرا بخش‌های قابل توجهی از تولیدات علمی در این حوزه‌ها در نشریات بین‌المللی منتشر نمی‌شوند و در نشریات علمی-پژوهشی ملی یا در فصل‌های کتاب و تک‌نگاشت‌ها منتشر می‌شوند. آنها در راستای حل این مشکلات پیشنهاد ساخت یک بانک اطلاعاتی جامع که شامل نشریات داخلی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است را ارائه دادند.

اوکسندر، هاگ و دنیل<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی شاخص‌های ارزیابی کیفیت پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از استفاده از این شاخص‌ها پرداختند. بررسی‌ها حاکی از آن بود که در حال حاضر هیچ استاندارد برای چگونگی ارزیابی کیفیت پژوهش‌های علوم انسانی وجود ندارد. در این پژوهش با استفاده از روش دلفی و مصاحبه با متخصصان علوم انسانی و اجتماعی به بررسی معیارهای این حوزه پرداختند. نتایج این بررسی‌ها معرفی ۱۷ معیار کلی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های علوم انسانی و ۷۰ معیار جزئی بود.

در پژوهشی دیگر، اوکسندر، هاگ و دنیل (۲۰۱۴) با استفاده از معیارهای کمی و کیفی و با ادغام نتایج چهار مطالعه تجربی به ارزیابی کیفیت پژوهش‌های حوزه علوم انسانی پرداختند. آنها اشاره داشتند که ارزیابی عملکرد پژوهش در علوم انسانی پیچیده و مشکل است و پژوهشگران به‌منظور ارزیابی علوم انسانی از ابزارها و روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند؛ بنابراین با وجود اینکه در خصوص این موضوع بحث بسیاری شده، اما هنوز مشکل ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی حل نشده است. در این مطالعه، پژوهش‌های حوزه علوم انسانی با استفاده از معیارهای کمی و کیفی متعددی مورد بررسی قرار گرفته بود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که شاخص‌های کمی برای سنجش پژوهش‌های علوم انسانی به اندازه شاخص‌های کیفی کارایی نداشتند.

چن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با اشاره به ویژگی‌ها و اشکال متنوع انتشارات علوم انسانی و اجتماعی، شاخص‌های موجود برای ارزیابی عملکرد پژوهشی این حوزه‌ها بر اساس پایگاه‌های استنادی وب آو ساینس و اسکوپوس را ناکافی دانسته و استفاده از دگرسنجه‌ها را برای ارزیابی دقیق‌تر تولیدات علمی این حوزه‌ها پیشنهاد دادند. لامونت و گوتزکو<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) پژوهشی با هدف بررسی چگونگی ارزیابی کیفیت در داوری پژوهش‌های علوم انسانی ارائه دادند. آنها در این مطالعه تمایز بین جنبه‌های شناختی و غیرشناختی ارزیابی را مورد بحث و چالش قرار داده و نکاتی را به‌منظور درک مفهوم ارزیابی‌های علمی در علوم انسانی ارائه دادند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که مهم‌ترین رویکردها برای ارزیابی پژوهش‌های این حوزه اصالت و نوآوری است. آنها پیشنهاد کردند که یک دستور کار پژوهشی برای افزایش درک شاخص‌های خاص ارزیابی در داوری‌های علوم انسانی در مقایسه با سایر رشته‌های تخصصی تهیه شود.

نوروزی چاکلی و قضاوی<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) با توجه به تفاوت عملکرد پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی، به وزن دهی

- 1 . Sivertsen & Larsen
- 2 . Ochsner, Hug & Daniel
- 3 . Chen
- 4 . Lamont & Guetzkow
- 5 . Noroozi Chakoli & Ghazavi

و ارزش‌گذاری شاخص‌های فعلی ارزیابی تولیدات علمی پرداختند تا امکان ارزیابی دقیق‌تر علوم مختلف فراهم شود. این پژوهش با استفاده از روش‌های علم‌سنجی، تحلیل محتوا و تکنیک ارزیابانه انجام شد و جامعه مورد مطالعه پژوهشگران، فناوران، مدیران پژوهشی و مدیران فناوری برتر ایرانی بودند. بر اساس نتایج به دست آمده، در زمینه علوم مهندسی، ثبت اختراعات، در حوزه علوم، مقالات بین‌المللی و در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی، کتاب‌ها و در حوزه علوم پزشکی، مقالات بین‌المللی بالاترین وزن را نسبت به سایر محمل‌های اطلاعاتی داشتند. اعتبارسنجی نتایج در جامعه مورد مطالعه، اعتبار بسیار بالایی را برای کلیه شاخص‌های مورد بررسی در هر چهار حوزه ایجاد کرد.

ریل<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸) به مرور متون مربوط به ارزیابی تأثیرات علمی، اجتماعی و سیاسی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی به منظور پاسخ به این پرسش که پژوهشگران این حوزه‌ها تا چه حد سعی می‌کنند از روش‌ها، ابزارها و رویکردهایی استفاده کنند که ویژگی‌های متمایز علوم انسانی و اجتماعی را در نظر بگیرند، پرداختند. آنها ضمن اشاره به تفاوت‌های ماهیتی علوم انسانی با سایر علوم به این نتیجه رسیدند که روش‌های کمی و کتاب‌سنجی معیار مناسبی برای ارزیابی تأثیر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی نیستند و ارزش خروجی‌های پژوهش‌های این حوزه‌ها را کم‌ارزش نشان می‌دهند.

جیمینز تولدو<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به مرور مناسب‌ترین روندهای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و تغییراتی که در روش‌ها و رویکردهای ارزیابی پژوهش‌ها در این حوزه‌ها اتفاق می‌افتد، در بستر بین‌المللی به ویژه در اروپا پرداخت. وی اشاره می‌کند برای ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی باید به تفاوت‌های شیوه‌های پژوهش و نوع پژوهش‌ها (بین‌رشته‌ای، نظری، کاربردی و غیره) در میان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و سایر علوم (علوم طبیعی و پایه) توجه داشت و شاخص دگرسنجی‌ها را به جای شاخص‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی مطلوب تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد داد.

### جمع‌بندی از مرور پیشینه

مروری بر مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که این مطالعات در خارج از کشور از دهه ۱۹۸۰ و در ایران از دهه ۱۳۸۰ آغاز شدند. عمده‌ترین محورهایی که پژوهشگران در این زمینه بدان توجه داشتند، عبارت‌اند از: معرفی شاخص‌های نرمال شده جهت ارزیابی عملکرد پژوهشی حوزه‌های علمی مختلف؛ آسیب‌شناسی تولید دانش و چالش‌ها و موانع انجام فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی؛ تدوین شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی مقالات و مجلات علمی-پژوهشی در این حوزه‌ها؛ ارزیابی سودمندی شاخص‌های علم‌سنجی برای علوم انسانی و اجتماعی و بیان مشکلات مختلف استفاده از روش‌های کمی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های این حوزه‌ها و شناسایی شاخص‌های کیفی برای ارزیابی تولیدات علمی و مجلات این حوزه‌ها. تأملی بر این مطالعات نشان می‌دهد که ابتدا بحث‌هایی در ارتباط با نامناسب بودن شاخص‌های کمی و علم‌سنجی برای ارزیابی کیفیت تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی مورد بحث قرار گرفت و بعدها توجه بیشتری به ارائه شاخص‌ها و روش‌های ارزیابی متناسب با ماهیت و عملکرد علوم انسانی و اجتماعی معطوف شد. اما، در میان مطالعات انجام شده، انجام پژوهشی با هدف مرور نظام‌مند مطالعاتی که در زمینه ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی صورت گرفته بود، مغفول مانده است.

1 . Reale  
2 . Gimenez Toledo

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش مرور نظام‌مند انجام گرفته است. یکی از خصوصیات اصلی مرور نظام‌مند این است که دارای پایایی بالا و تکرارپذیر است. این روش ابزاری برای مطالعه همه‌جانبه و تحلیل مطالعات مرتبط برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مورد نظر است (دلوی، ملنیچوک، موری و پلومر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). برای انجام پژوهش به این روش، فرایندهای نسبتاً مشابهی توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف مطرح شده است که معمولاً تفاوت‌های اندکی در نام‌گذاری فرایندها و تعداد مراحل دارند. در پژوهش حاضر به‌منظور حصول اطمینان از روند انجام مرور نظام‌مند، از راهنمای ارائه‌شده توسط اکلی و شابرام<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) استفاده شده است. بر اساس این راهنما، مراحل انجام پژوهش حاضر به شرح زیر انجام شد:

۱. شناسایی نیاز به مرور پژوهش‌ها: بررسی مطالعات نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت مسئله ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی در این حوزه‌ها، تاکنون پژوهشی در ارتباط با مرور و تحلیل یافته‌های مربوط به روش‌ها و معیارهای ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی در ایران صورت نگرفته است. در خارج از کشور، تنها به بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف در خصوص ارزیابی تأثیر علمی، سیاسی و اجتماعی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی (ریل و همکاران، ۲۰۱۷) و تحلیل روند رویکردهای مورد استفاده در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی (جیمز تولدو، ۲۰۱۸) پرداخته شده است. بنابراین، لزوم انجام مطالعه‌ای نظام‌مند در زمینه مهم‌ترین روش‌ها و شاخص‌های پیشنهادی برای علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه‌ها روشن می‌شود.

۲. تدوین اهداف و پروتکل یا قرارداد انجام کار: در این مرحله، اهداف پژوهش حاضر در سه محور تدوین شدند که این اهداف عبارت‌اند از: ۱. بررسی تفاوت‌های الگوهای انتشاراتی و استنادی علوم انسانی و اجتماعی و سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی)؛ ۲. چالش‌های استفاده از روش‌های کمی و علم‌سنجی در این حوزه‌ها و ۳. معرفی شاخص‌ها و روش‌های پیشنهادی برای ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی. پس از مشخص شدن اهداف، قرارداد انجام پژوهش تنظیم گردید. در این قرارداد، ابزارهای جستجوی متون، کلیدواژه‌های مورد جستجو، معیارهای ورود و خروج مطالعات، نحوه استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها و سایر جزئیات انجام پژوهش مشخص شدند.

۳. جستجوی منابع: به‌منظور جستجوی پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از کشور، پایگاه‌های اطلاعاتی ساینس دایرکت<sup>۳</sup>، امرالد<sup>۴</sup>، ابسکو<sup>۵</sup>، پروکوئست<sup>۶</sup>، اسکوپوس<sup>۷</sup>، وب آو ساینس<sup>۸</sup> و موتور جستجوی گوگل اسکولار<sup>۹</sup> مورد جستجو قرار گرفتند. فهرست منابع پژوهش‌ها نیز در دستیابی به منابع بیشتر مورد بررسی قرار گرفتند. برای جستجو در منابع انگلیسی از کلیدواژه‌هایی مانند «social sciences»، «humanities»، «assessment»، «evaluation»،

1. De Loe, Melnychuk, Murray & Plummer
2. Okoli & Schabram
3. Sciencedirect
4. Emerald
5. Ebsco
6. ProQuest
7. Scopus
8. Web of Science
9. Google Scholar

«research»، «qualitative»، «indicator»، «criteria»، «literature»، «bibliometrics»، «output» و «scientome-trics» با ترکیب‌های مناسب استفاده شد. در مورد پژوهش‌های انجام شده در ایران، پایگاه‌های اطلاعاتی مگ‌ایران، ایران‌داک<sup>۱</sup>، نورمگز<sup>۲</sup>، سیویلیکا<sup>۳</sup>، جهاد دانشگاهی<sup>۴</sup> و جویشگر علم‌نت<sup>۵</sup> مورد جستجو قرار گرفتند. از جمله کلیدواژه‌های مورد استفاده برای جستجو در منابع فارسی شامل «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «سنجش»، «ارزیابی»، «معیار»، «شاخص»، «پژوهش»، «تولیدات علمی»، «علم‌سنجی»، «کیفیت»، «کتاب‌سنجی» و «برون‌دادهای علمی» بودند. در این مرحله ۸۴ اثر از پایگاه‌های خارجی به زبان انگلیسی و ۱۷ اثر از پایگاه‌های فارسی بازیابی شدند.

۴. گزینش منابع بازیابی شده: در پالایش اولیه ۵۱ اثر به زبان انگلیسی و ۹ اثر به زبان فارسی گزینش شدند. برای جستجو و گردآوری اطلاعات از پایگاه‌های اطلاعاتی به‌منظور جامعیت‌بخشیدن به پژوهش حاضر، هیچ‌گونه محدودیت زمانی اعمال نشد (زمان انجام آخرین جستجو در هفته دوم آذرماه سال ۱۳۹۸ صورت گرفت). معیارهای انتخاب مقالات برای ورود به مرور نظام‌مند عبارت‌اند از: مقالاتی که تمرکز آنها بر مسائل مربوط به ارزیابی انتشارات علوم انسانی و اجتماعی و تفاوت‌های میان ارزیابی علوم انسانی و اجتماعی با علوم پایه، طبیعی و مهندسی (وجه تمایز برون‌دادهای علوم انسانی و اجتماعی با سایر علوم، عدم کارایی شاخص‌های فعلی ارزیابی و ارائه روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی پژوهش‌های این حوزه‌ها) بودند؛ مقالاتی که جامعه مورد مطالعه آنها متخصصان علوم انسانی و اجتماعی بودند و یا بر اساس مرور متون در این حوزه‌ها انجام شده بودند. معیارهای حذف مقالات از مرور نظام‌مند عبارت‌اند از: مقالاتی که متن کامل آنها در دسترس نبود؛ مقالاتی که از کیفیت علمی و محتوایی لازم برخوردار نبودند؛ خلاصه مقالات و گزارش‌ها؛ مقالاتی که شاخص‌ها و معیارهای مشترک با سایر حوزه‌ها را برای ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی معرفی کردند؛ مقالاتی که از نظر محتوایی هم‌پوشانی داشتند. در مجموع ۴۵ اثر (۳۹ مقاله به زبان انگلیسی و ۶ مقاله به زبان فارسی برای بررسی مرتبط شناخته و بدون در نظر گرفتن محدودیتی درباره نوع مقالات و مجلات انتخاب شدند و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

۵. ارزیابی کیفیت (اعتبارسنجی): جهت ارزیابی کیفیت آثار گزینش شده، از نظرات دو نفر از متخصصان صاحب‌نظران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به غیر از تیم پژوهش استفاده شد. بررسی نظرات متخصصان در مورد مقالات انتخاب شده نشان داد که همه آنها از اعتبار لازم برای ورود به تحلیل برخوردار بودند.

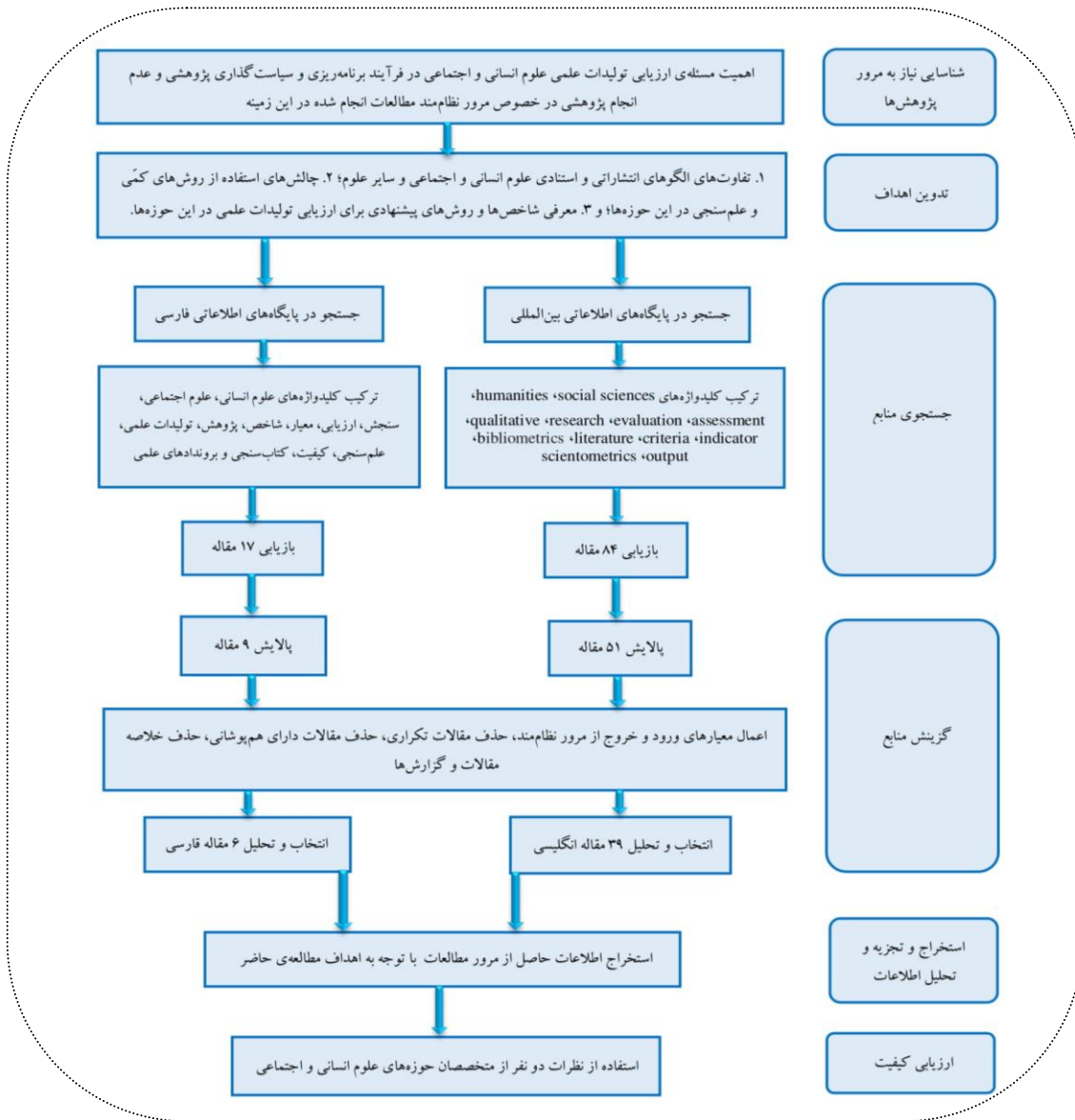
۶. استخراج اطلاعات: در این مرحله سیاهه‌ای تهیه شد و اطلاعات مقالات گزینش شده برای ورود به مطالعه در آن ثبت گردید. اطلاعات موجود در سیاهه مذکور عبارت بودند از: اطلاعات کتابشناختی منابع (عنوان مقاله، اسامی نویسندگان، سال انتشار، عنوان نشریه، شماره چاپ و شماره صفحات). اهداف مطالعه، روش پژوهش، خلاصه‌ای از یافته‌ها و نتایج پژوهش مرتبط با اهداف مطالعه حاضر (اطلاعات مربوط به ویژگی‌های انتشارات علوم انسانی و اجتماعی، تفاوت‌های علوم انسانی و اجتماعی با سایر علوم، کارایی یا عدم کارایی روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی در این حوزه‌ها، روش‌های متداول کنونی در ارزیابی این حوزه‌ها و شاخص‌ها، روش‌ها و راهکارهای پیشنهادی جهت ارزیابی مؤثرتر تولیدات علمی در این حوزه‌ها).

۷. تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفت که حاصل کل فرایند مرور

1. Irandoc
2. Noormags
3. Civilica
4. Sid
5. Elmnet



نظام‌مند است. در ادامه، به صورت خلاصه، گام‌های مرور نظام‌مند پژوهش حاضر در نمودار ۱ ذکر شده است.



نمودار ۱. گام‌های مرور نظام‌مند پژوهش حاضر

۸. ارائه یافته‌های پژوهش: برای نوشتن مقاله حاضر تلاش شد تا علاوه بر رعایت اصول استاندارد برای نوشتن مقالات پژوهشی، روند بررسی متون با جزئیات کافی ارائه شود.

### یافته‌های پژوهش

پاسخ به سؤال اول پژوهش. الگوهای انتشاراتی و استنادی تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی چه تفاوت‌هایی با تولیدات علمی سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) دارند؟

در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مهم‌ترین تفاوت‌ها در الگوهای انتشاراتی و استنادی تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با تولیدات علمی سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) بر اساس مرور متون، به شرح زیر

### ۱-۱. تنوع و تفاوت در الگوهای انتشاراتی

الگوهای انتشاراتی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نسبت به سایر حوزه‌های علمی، غیریکنواخت‌تر و ناهمگن‌تر هستند. نتایج و یافته‌های پژوهش‌های این حوزه‌ها در قالب‌های مختلف و به‌وسیله محمل‌های ارتباطی گوناگونی ارائه می‌شوند (آرچامبالت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ ون لیون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ هوانگ و چانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ سیورتنسن و لارسن، ۲۰۱۲؛ تورس سالیناس و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریل و همکاران، ۲۰۱۷). در میان محمل‌های ارتباطی مختلف، کتاب‌ها، تک‌نگاشت‌ها و منابع مرجع در حوزه‌های علوم انسانی و بخشی از علوم اجتماعی نقشی مهم دارند و انتشار کتاب‌ها در این حوزه‌ها به‌عنوان منابع ترجیحی پژوهشی به‌شمار می‌روند. درحالی‌که پژوهشگران رشته‌های علوم طبیعی بیشتر مقالات نشریات را منتشر می‌کنند، پژوهشگران بیشتر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، تعداد قابل توجهی از کتاب‌ها را منتشر می‌کنند (ون لیون، ۲۰۰۶؛ هوانگ و چانگ، ۲۰۰۸؛ اوکسنر، هاگ و دنیل، ۲۰۱۶؛ داورپناه، ۱۳۸۶؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد، محمودی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۶). باید توجه داشت که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نیز کانال‌های انتشاراتی متفاوت و متنوع هستند. در برخی حوزه‌ها تاریخ یا ادبیات، کتاب‌ها همچنان اصلی‌ترین یا حتی تنها روش پذیرفته‌شده برای انتقال دانش هستند. درحالی‌که در برخی حوزه‌ها مانند زبان‌شناسی، مقالات، جایگزین کتاب‌ها شده‌اند و از کتاب‌ها تنها برای فراگیرکردن دانش و یا در کلاس‌های درس به‌منظور آموزش استفاده می‌کنند (ون دن آکر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶).

### ۲-۱. تفاوت در رفتارهای استنادی

#### ۱-۲-۱. منابع مورد استناد

حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نسبت به سایر علوم رفتار استنادی متفاوتی دارند. یکی از جنبه‌های مهم این تفاوت مربوط به منابع مورد استناد در این حوزه‌هاست. پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تمایل دارند بیشتر به کتاب‌ها استناد کنند که این امر نشان‌دهنده اهمیت بیشتر کتاب‌ها در میان سایر محمل‌های ارتباطی در این حوزه‌هاست (هوانگ و چانگ، ۲۰۰۸؛ همرفلت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ ریل و همکاران، ۲۰۱۷؛ ندرهوف و همکاران، ۲۰۰۵؛ نقل در داورپناه، ۱۳۸۶؛ قانع‌راد، محمودی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۶). در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز رفتار استنادی رشته‌ها با یکدیگر متفاوت هستند (داورپناه، ۱۳۸۶؛ قانع‌راد، ۱۳۹۵). یکی دیگر از ابعاد تفاوت رفتارهای استنادی علوم انسانی این است که علی‌رغم اینکه رشته‌های مختلف علوم انسانی با نسبت‌های متفاوتی از منابع خارجی بهره گرفته‌اند، ولی مقالات بسیاری از رشته‌های علوم انسانی متکی بر متون خارجی به‌ویژه زبان انگلیسی هستند. بنابراین، محتوای علمی رشته‌های علوم انسانی به میزان زیادی متأثر از تفکرات و نظریه‌های دانشمندان سایر کشورهاست. این امر نشان می‌دهد که دانش بومی تولیدشده به هر دلیلی نتوانسته است نقطه اتکای نویسندگان مقالات حوزه علوم انسانی قرار گیرد (داورپناه، ۱۳۸۶).

1. Archambault
2. Van Leeuwen
3. Huang & Chang
4. Van den Akker
5. Hammarfelt

**۱-۲-۲. نیمه عمر منابع مورد استناد**

از جهت کهنه‌شدن یا منسوخ‌شدن اطلاعات میان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و سایر علوم (علوم پایه، طبیعی، پزشکی و مهندسی) تفاوت وجود دارد. برون‌دادهای علمی-پژوهشی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نیمه عمر طولانی‌تری نسبت به سایر علوم دارند. علی‌رغم اینکه محتوای منابع اطلاعات علمی در رشته‌های پزشکی، علوم پایه و مهندسی به‌ویژه برخی از رشته‌ها مانند مهندسی رایانه بسیار سریع‌تر کهنه می‌شود؛ و یا در حوزه دارویی، اطلاعاتی ممکن است در عرض ۲ تا ۳ سال، یا حتی زودتر منقضی شوند، ولی در علوم انسانی عمر متوسط منابع اطلاعاتی ۱۶ سال است. به‌عبارت‌دیگر، در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی برخلاف حوزه‌های دیگر علوم، با توجه به طولانی بودن نیمه عمر و تأخیر در بروز رفتارهای استنادی، پنجره استنادی طولانی‌مدت است و ممکن است برون‌دادهای این حوزه‌ها در مدت طولانی‌تری تأثیرات خود را بر جای گذارند (هوانگ و چانگ، ۲۰۰۸؛ ون دن آکر، ۲۰۱۶؛ همرفلت، ۲۰۱۶؛ داورپناه، ۱۳۸۶؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ قانعی‌راد، ۱۳۹۶).

**۱-۳-۳. سرعت تحول و توسعه نظری (نظریه‌ها)**

تحول و توسعه نظری (نظریه‌ها) در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با سایر علوم یکدست و قابل پیش‌بینی نیست و دارای سرعت آهسته‌تری است. البته سرعت توسعه نظریه‌ها در میان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نیز متفاوت است. برای مثال، میان رشته‌های روان‌شناسی تجربی و مدیریت عمومی در خصوص تحول نظری تفاوت وجود دارد (ندرهوف و همکاران، ۱۹۸۹؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ قانعی‌راد، ۱۳۹۶).

**۱-۴-۴. جامعه مخاطب**

دانشمندان حوزه علوم پایه، طبیعی و مهندسی اکثراً جامعه علمی را مورد خطاب قرار می‌دهند. درحالی‌که نتایج و یافته‌های حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در قالب‌های مختلف و برای گروه‌هایی متفاوت و ناهمگون (دانشمندان و پژوهشگران در سطح جهان، دانشمندان و پژوهشگران در سطح ملی و محلی و نیز مخاطبان عمومی) منتشر می‌شوند. دانشمندان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی علاوه بر جامعه دانشگاهی، برای عموم جامعه غیرعلمی نیز مطلب نوشته و منتشر می‌کنند. این امر باعث کم‌شدن تعداد برون‌دادهای علمی و استناد به آنها، پراکندگی انتشارات و استنادات و نیز ظهور محمل‌های ارتباطی گوناگون علمی و غیرعلمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌شود (آرچامبالت و همکاران، ۲۰۰۶؛ ون لیون، ۲۰۰۶؛ ون دن آکر، ۲۰۱۶؛ همرفلت، ۲۰۱۲؛ داورپناه، ۱۳۸۶؛ قانعی‌راد، ۱۳۹۶).

**۱-۵-۵. ارتباطات علمی پژوهشگران**

در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و بسیاری از رشته‌های نرم‌تر و کیفی‌تر، رویکرد فردمحوری در انجام پژوهش‌ها حاکم است. در مقابل، در حوزه‌های علوم طبیعی، بسیاری از پژوهش‌ها در قالب کار گروهی صورت می‌پذیرد. در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی پژوهشگران فردی وجود دارند که به تنهایی کار می‌کنند و مقاله‌های تک‌نویسنده را انتشار می‌دهند، در مقابل، در حوزه‌های علوم طبیعی، دانشمندانی با گرایش به کار گروهی وجود دارند که انتشارات بیشتری نسبت به پژوهشگران فردی دارند. بنابراین، احتمالاً رویکرد گروه-مداری دانشمندان حوزه علوم طبیعی موجب می‌شود که تولیدات علمی و انتشاراتی آنان به‌طور چشمگیری از هم‌تایان خود در حوزه‌های علوم انسانی بیشتر باشد (آرچامبالت و همکاران، ۲۰۰۶؛ ون لیون، ۲۰۰۶؛ ون دن آکر، ۲۰۱۶؛ داورپناه، ۱۳۸۶؛ قانعی‌راد، ۱۳۹۶).

## ۱-۶. جهت گیری موضوعات پژوهش‌ها

اهداف و جهت گیری‌های پژوهش، در حوزه‌های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند. برخلاف پژوهشگران حوزه علوم به‌ویژه علوم پایه، هدف و رویکرد، بیشتر پژوهش‌های حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، توسعه علمی اجتماع-محور و فرهنگ-محور و حفظ و تفسیر میراث‌های ملی و منطقه‌ای است (ون دن آکر، ۲۰۱۶). بسیاری از رشته‌های مربوط به حوزه علوم مثل فیزیک و شیمی به مخاطبان بین‌المللی مانند اجتماع علمی جهانی توجه دارند، اما بخش زیادی از انتشارات و پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی به موضوعات ملی و مخاطبان محلی می‌پردازند و اغلب در نشریات، گزارش‌ها و تک‌نگاشت‌های منطقه‌ای یا ملی منتشر می‌شوند. بنابراین، یافته‌های علوم انسانی و اجتماعی در یک کشور ممکن است همیشه برای پژوهشگران در سایر کشورها مفید نباشند (همرفلت، ۲۰۱۲؛ همرفلت، ۲۰۱۶). همین امر سبب می‌شود که گرایش ملی در نشریات علوم انسانی و اجتماعی بیشتر از علوم تجربی باشد (مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵). در میان انتشارات رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نیز میزان گرایش ملی متفاوت وجود دارد و برخی رشته‌ها مانند حقوق، مدیریت عمومی، علوم سیاسی، ادبیات و جامعه‌شناسی ویژگی منطقه‌ای‌تر و ملی‌تری دارند (ندرهورف، ۲۰۰۶).

## ۱-۷. پوشش زبانی نشریات

میان یافته‌های پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی از نظر زبان‌های مورد استفاده برای نشر تفاوت وجود دارد. در علوم طبیعی، زبان انگلیسی، زبان مخصوص اصطلاحات خاص آن حوزه به حساب می‌آید. اما، از آنجاکه بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی، جهت‌گیری‌های منطقه‌ای یا ملی دارند، انتشارات در این حوزه‌ها بیشتر به زبان ملی و محلی خود هستند. به عبارت دیگر، زبان‌هایی غیر از زبان انگلیسی، نقشی عمده در بسیاری از این حوزه‌ها ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، ادبیات، حوزه‌ای است که منابع غیرانگلیسی در آن سهم مهمی دارند و تأثیر منابع به زبان انگلیسی در این حوزه محدود است. در واقع، انگلیسی، زبان غالب و مسلط نشریات بسیاری از حوزه‌های علوم طبیعی و زبان‌های ملی و منطقه‌ای زبان غالب نشریات بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است (ندرهورف، ۲۰۰۶؛ هوانگ و چانگ، ۲۰۰۸؛ همرفلت، ۲۰۱۲؛ کونینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ همرفلت، ۲۰۱۶؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد، ۱۳۹۶).

## ۱-۸. داده‌های تحت پوشش پایگاه‌های استنادی

میزان پوشش حوزه‌های مختلف علوم در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی متفاوت است. پایگاه‌های استنادی بین‌المللی غالباً منابع را به زبان انگلیسی نمایه‌سازی می‌کنند، اما با توجه به اینکه انتشارات علوم انسانی و اجتماعی دارای رویکرد ملی و منطقه‌ای هستند و نتایج یافته‌های خود را نیز به زبان ملی منتشر می‌کنند، نمی‌توانند این حوزه‌ها را به اندازه کافی پوشش دهند. کاربرد دو پایگاه مهم استنادی یعنی وب آو ساینس و اسکوپوس عمدتاً به حوزه‌های علوم محدود می‌شود؛ بنابراین بسیاری از مدارک علمی به زبان غیرانگلیسی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی شانس نمایه‌شدن در این پایگاه‌ها را ندارند (آرچامبالت و همکاران، ۲۰۰۶؛ میری و بهمنی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ همرفلت، ۲۰۱۶؛ ریل و همکاران، ۲۰۱۷؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵). در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، گوگل اسکالر

1 . Konig  
2 . Miri & Bahmani



به‌عنوان یک پایگاه مهم اطلاعاتی برای تحلیل استنادات عمل می‌کند (بورمن، سور، مارکس و شایر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

## پاسخ به سؤال دوم پژوهش. آسیب‌ها و چالش‌های ارزیابی روش‌های کمی و علم‌سنجی در علوم انسانی و اجتماعی کدام‌اند؟

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش می‌توان اشاره کرد که با توجه به اینکه ماهیت و سرشت حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با علوم پایه، طبیعی و مهندسی متفاوت است، مقایسه و ارزیابی آنها با روش‌ها و شاخص‌های یکسان امکان‌پذیر نیست. علوم طبیعی و فیزیکی با موجودیت‌های ساده‌تر و قابل کنترل‌تر و داده‌های کمی، نظام‌یافته و جهان‌شمول سروکار دارد، درحالی‌که حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با پدیده‌های انسانی و اجتماعی پیچیده، پویا و متغیر مواجه است (داورپناه، ۱۳۸۶؛ یوکاک و یوموت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹ نقل در مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵). با پارادایم‌های متفاوت حوزه علوم پایه، طبیعی و مهندسی نمی‌توان تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی را مورد ارزیابی قرار داد. روش‌ها و شاخص‌های کمی و علم‌سنجی برای ارزیابی تولیدات علمی بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی مناسب نیستند و ارزش یافته‌های برون‌دادهای علمی این حوزه‌ها را کاهش می‌دهند (کوشا و تلوال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ سیورتنسن و لارسن، ۲۰۱۲؛ بورمن، سور، مارکس و شایر، ۲۰۱۶؛ ون دن آکر، ۲۰۱۶؛ ریل و همکاران، ۲۰۱۷؛ فاضلی، ۱۳۸۴؛ داورپناه، ۱۳۸۶؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد، ۱۳۹۶). طبیعت منحصربه‌فرد پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی به صورتی است که نمی‌توان از روش‌های کمی مانند روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های این حوزه‌ها استفاده کرد (فینکنسدت، ۱۹۹۰؛ اوکسنر، هاگ و دنیل، ۲۰۱۴).

همان‌طور که اشاره شد، یکی از تفاوت‌های میان علوم انسانی و اجتماعی و سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) در نوع منابع مورد استناد است. کتاب‌ها و تک‌نگاشت‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و بخشی از علوم اجتماعی نقش مهم‌تری دارند و بیشتر از سایر منابع مورد استناد قرار می‌گیرند؛ ولی چون پایگاه استنادی وب‌آو ساینس فقط مقالات پژوهشی، مقالات مروری، مقالات کوتاه، یادداشت سردبیر، نامه به سردبیر و نقد کتاب‌ها را منابع قابل استناد معرفی می‌کند و کتاب‌ها و سایر متون ادبی (مانند اشعار) از مصادیق تولید علم محسوب نمی‌شوند. با توجه به اینکه کتاب سهم اصلی را در تولید مقالات رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دارند و متون این حوزه‌ها در محمل‌های مختلف علمی و غیرعلمی و برای مخاطبان در گستره وسیع‌تری منتشر می‌شوند، میزان پوشش کلی آنها در وب‌آو ساینس کاهش می‌یابد. این پوشش‌دهی متوسط برای علوم اجتماعی و ضعیف برای علوم انسانی سبب می‌شود که شاخص استناد و تحلیل استنادی نتواند برای علوم انسانی و اجتماعی کاربرد زیادی داشته باشد. از طرفی، بخش‌های قابل توجهی از تولیدات علمی در این حوزه‌ها در نشریات بین‌المللی منتشر نمی‌شود، بلکه در نشریات علمی-پژوهشی ملی یا در فصل‌های کتاب‌ها منتشر می‌شود. این در حالی است که پایگاه وب‌آو ساینس فقط مقالات نشریات انگلیسی‌زبان را پوشش می‌دهد، بنابراین، برای ارزیابی خروجی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی که بیشتر آنها ملی و محلی است مناسب نیستند. با توجه به اینکه نیمه عمر استنادی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی طولانی است، شاخص‌های اساسی علم‌سنجی مانند ضریب تأثیر<sup>۴</sup> (IF) و شاخص فوریت<sup>۵</sup> (II) از کارایی چندانی

1. Bornmann, Thor, Marx & Schier
2. Ucak & Umut
3. Kousha & Thelwall
4. Impact Factor
5. Immediacy index

برخوردار نیستند.

بسیاری از مقالات رشته‌های علوم انسانی متکی بر متون خارجی به‌ویژه زبان انگلیسی است و دانش بومی تولیدشده در این حوزه‌ها محدود است. بنابراین، در چنین شرایطی، ترسیم ارتباطات علمی، ساختار روشنی از وضعیت نویسندگان پراستناد در این حوزه‌ها به دست نمی‌دهد. تأکید بر کتاب در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی سبب می‌شود شاخص‌های علم‌سنجی که عمدتاً مبتنی بر کمیت تولید مقاله هستند، به تنهایی نتوانند تصویری جامع از چگونگی تولید علم در علوم انسانی و اجتماعی به نمایش گذارند (داورپناه، ۱۳۸۶؛ مختاری و میرزایی، ۱۳۹۵؛ آرچامبالت و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیورتنس و لارسن، ۲۰۱۲؛ ون دن آکر، ۲۰۱۶؛ اوکسنر، هاگ و دنیل، ۲۰۱۶؛ اوکسنر، هاگ و گالرون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). به‌طور کلی می‌توان اشاره کرد که طبیعت منحصربه‌فرد پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی به صورتی است که نمی‌توان از روش‌های کمی مانند روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های این حوزه استفاده کرد (فینکنسدت، ۱۹۹۰؛ کرول و تیروین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶؛ استیرستورفر و اشنک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ بونیا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ اوکسنر، هاگ و دنیل، ۲۰۱۶).

### پاسخ به سؤال سوم پژوهش. مهم‌ترین روش‌ها و معیارهای پیشنهادی برای ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی کدام‌اند؟

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش و تأملی بر منابع مورد مطالعه، می‌توان اذعان داشت که پژوهشگران مختلفی در طی دوره‌های زمانی گوناگون به مطالعه سودمندی روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی برای ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و تدوین شاخص‌ها و روش‌های مناسب جهت ارزیابی برون‌دادهای علمی به‌ویژه کتاب‌ها و مقالات در این حوزه‌ها پرداخته‌اند و راهکارهای مختلفی را در جهت ارزیابی بهینه‌تر و مؤثرتر پژوهش‌های این حوزه‌ها ارائه کرده‌اند. در جدول ۱ به اختصار یافته‌های این مطالعات ارائه می‌شود.

جدول ۱. معیارها و روش‌ها پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه‌ها

معیارها یا روش‌های پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی	پژوهشگران
کیفیت نشریات هسته؛ میزان استناد به مقالات نشریات آی. اس. آی	ندرهوف و زوان <sup>۵</sup> (۱۹۹۱)
میزان توجه و علاقه به نشریات در کتابخانه‌های دانشگاهی خارجی بزرگ؛ پوشش در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی؛ استانداردهای داوری؛ ارزیابی دقیق توسط پژوهشگران؛ فراوانی استناد در نشریات آی. اس. آی	ویست <sup>۶</sup> (۲۰۰۶)

1. Galleron
2. Krull & Tepperwien
3. Stierstorfer & Schneck
4. Bunia
5. Zwaan
6. W East

ادامه جدول ۱. معیارها و روش‌ها پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه‌ها

پژوهشگران	معیارها یا روش‌های پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی
جیمز تولدو و رومان <sup>۱</sup> (۲۰۰۹)	شاخص‌های ارزیابی تک‌نگاشت‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بر اساس اعتبار ناشران شامل: سیستم ارزیابی داوران (تخصص داوران، وجود داوران خارجی)؛ تخصص در موضوع (وجود ناشران تخصصی در موضوع مورد نظر)؛ اعتبار (بررسی‌های مثبت در مجامع مختلف، تعداد استنادها)؛ سیستم توزیع با کیفیت خوب (حضور در کتابفروشی‌های تخصصی ملی، حضور در کتابفروشی‌های تخصصی بین‌المللی، حضور در کتابخانه‌های تخصصی ملی، حضور در کتابخانه‌های تخصصی بین‌المللی، حضور در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی، ترجمه به زبان‌های دیگر، بازاریابی کتاب توسط ناشران)؛ کیفیت بالای انتشار (عرضه رسمی، ساختار، محتوا، موضوعات، فهرست منابع و غیره).
پونتیل و تورنی <sup>۲</sup> (۲۰۱۰)	ارزیابی بر اساس نتایج رتبه‌بندی نشریات حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی
وینگارت و شوچهایمر <sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نقل در قانونی‌راد (۱۳۹۵)	معیارهای سازمانی (حضور علوم انسانی و علوم اجتماعی در انجمن‌های علمی و جوامع حرفه‌ای ملی؛ استفاده فارغ‌التحصیلان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه، صنعت، مدیریت دولتی یا رسانه‌ها)؛ معیارهای فکری (عدم ادغام علوم انسانی و اجتماعی در گفتمان پژوهشی بین‌المللی؛ ارزیابی پژوهش‌های حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بر اساس شایستگی‌های خود؛ نوآوری در نظریه‌ها و روش‌شناسی‌های پژوهش‌های این حوزه‌ها)
اوکسنر، هاگ و دنیل (۲۰۱۲)	انسجام؛ نوآوری، اصالت؛ دقت (سخت‌گیری) علمی؛ تأمل و انتقاد؛ تبادل علمی (پژوهشی)؛ الهام‌بخشی به سایر پژوهشگران؛ ارتباط با جامعه؛ تنوع؛ تناسب؛ سازگاری و یکپارچگی؛ استقلال؛ دانشوری؛ ارتباط میان آموزش و پژوهش؛ انگیزش درونی؛ بهره‌وری
رن و گونگ <sup>۴</sup> (۲۰۱۲)	ارزش علمی (میزان استناد و میزان بارگیری مقالات)؛ نوآوری و جامعیت؛ ارزش اجتماعی
هاگ، اوکسنر و دنیل (۲۰۱۳)	تبادل علمی؛ نوآوری و اصالت؛ دقت (سخت‌گیری) علمی؛ پیگیری حافظه فرهنگی؛ تأثیر بر جامعه؛ سازگاری با عقاید و افراد؛ دانشوری؛ شور، علاقه و اشتیاق؛ چشم‌انداز پژوهش‌های آینده
اوکسنر، هاگ و دنیل (۲۰۱۴)	اتخاذ رویکرد درون به بیرون <sup>۵</sup> (شاخص‌های کیفیت، باید در رشته‌ها و زیررشته‌های حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تعیین شود، چون میان رشته‌های مختلف این حوزه‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد)؛ اتخاذ رویکرد پایین به بالا <sup>۶</sup> (مشارکت پژوهشگران و نخبگان جوان در تعیین معیارهای کیفیت در کنار متخصصان و کارشناسان باسابقه) در ارزیابی کیفیت پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی
پاجیک <sup>۷</sup> (۲۰۱۴)	شاخص تنوع نشریات <sup>۸</sup>

- 1 . Roman
- 2 . Pontille & Torny
- 3 . Weingart & schwechheimer
- 4 . Ren & Gong
- 5 . inside-out approach
- 6 . bottom-up approach
- 7 . Pajic
- 8 . Journal Diversity Index (JDI)

ادامه جدول ۱. معیارها و روش‌ها پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه‌ها

پژوهشگران	معیارها یا روش‌های پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی
محمدی <sup>۱</sup> و تلوال (۲۰۱۴)	شاخص‌های وب‌سنجی مانند میزان استفاده از مقالات (مشاهده و بارگیری مقالات)
سیورتنسن (۲۰۱۵)	پوشش (نمایه‌شدن) یک نشریه در اسکوپوس یا وب آو ساینس؛ ارائه مقالات به زبان بین‌المللی (انگلیسی)؛ انتشار مقالات در نشریات تخصصی در سطح بین‌المللی؛ ارتباطات اجتماعی؛ بین‌المللی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی
تلوال و دلگادو <sup>۲</sup> (۲۰۱۵)	تأکید بر خلاقیت در ارزیابی‌های پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی به جای تأکید بر معیارهای استاندارد
اوکسندر، هاگ و دنیل (۲۰۱۶)	تبادل علمی (پژوهشی)؛ پیوستگی، استمرار؛ دانشوری؛ اصالت، نوآوری؛ تأثیر بر انجمن پژوهش‌ها؛ شور، علاقه و اشتیاق؛ مولد بودن؛ ارتباط با جامعه و تأثیر بر آن؛ چشم‌انداز پژوهش‌های آینده؛ دقت (سخت‌گیری) علمی؛ تنوع پژوهش‌ها؛ ارتباط میان آموزش و پژوهش؛ پیگیری حافظه فرهنگی؛ ارتباط با سایر پژوهش‌ها؛ ارتباطات؛ به رسمیت شناختن و استقبال از ایده‌ها و اشخاص؛ تأمل، انتقاد؛ خودمدیریتی، استقلال
دمرشی و لورنزی <sup>۳</sup> (۲۰۱۶)	تصمیم‌نشریات در انتخاب مقالات خود برای انتشار
کرول و تپروین (۲۰۱۶)	زیرساخت یا بنیاد <sup>۴</sup> پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مانند کتابخانه‌ها، بایگانی‌ها و موزه‌ها، برای حافظه تاریخی و مطالعه بنیان‌های فرهنگی جوامع؛ نوآوری <sup>۵</sup> ؛ بین‌رشته‌ای بودن <sup>۶</sup> ؛ بین‌المللی بودن <sup>۷</sup> شاخص استنادی کتاب <sup>۸</sup> و نمایه‌گذاری کتاب‌ها در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی؛ آیت‌های غیرمنبعی <sup>۹</sup> جهت ردیابی استنادات صورت‌گرفته به کتاب‌ها؛ استفاده از گوگل اسکالر جهت تحلیل استنادات داده‌شده به کتب و مقالات؛ ایجاد پایگاه‌های استنادی اختصاصی برای ارزیابی انتشارات علوم انسانی و اجتماعی در سطح ملی و محلی؛ فهرست کتابخانه‌ای برای ارزیابی تأثیر کتاب‌ها (هرچه تعداد کتابخانه‌های بیشتری یک کتاب را نگهداری نمایند، فرض خواهد شد که این کتاب، تأثیر بیشتری دارد، درواقع، وجود یک کتاب در یک فهرست نشان می‌دهد که این کتاب مهم تلقی می‌شود)؛ مورد بازبینی قراردادن کتاب‌ها <sup>۱۰</sup> که نشان دهنده کیفیت بیشتر آنهاست؛ شمارش و وزن‌دهی به انتشارات؛ دگرسنگ‌ها، شاخص‌های مبتنی بر داده‌های مستخرج از وب اجتماعی

- 1 . Mohammadi
- 2 . Thelwall & Delgado
- 3 . De Marchi & Lorenzetti
- 4 . infrastructure
- 5 . innovation
- 6 . interdisciplinarity
- 7 . internationality
- 8 . Book Citation Index
- 9 . Non-source Items
- 10 . Book Reviews

روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

ادامه جدول ۱. معیارها و روش‌ها پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه متخصصان این حوزه‌ها

پژوهشگران	معیارها یا روش‌های پیشنهادی جهت ارزیابی تولیدات علمی علوم انسانی و اجتماعی
پرینز <sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۶)؛ بورمن، سور، مارکس و شایر (۲۰۱۶)	استفاده از گوگل اسکالر جهت تحلیل استنادات داده‌شده به کتب و مقالات
جیمز تولدو (۲۰۱۶)	شاخص اعتبار ناشران جهت ارزیابی کتاب‌ها به‌عنوان خروجی‌های پژوهشی مهم متخصصان علوم انسانی و اجتماعی
لامونت و گوتزکو (۲۰۱۶)	اصالت و نوآوری
اوکسندر، هاگ و گالرون (۲۰۱۷)	روش ارزیابی بر اساس داوری همتا؛ رویکرد پایین به بالا
همرفلت (۲۰۱۴)؛ جیمز تولدو (۲۰۱۸)	شاخص‌های آلتیمتریکس <sup>۲</sup> (دگرسنجه‌ها)
داورپناه (۱۳۸۶)	شاخص‌های ترکیبی با قابلیت سنجش کمیت و کیفیت
رضایی و نوروزی چاکلی (۱۳۹۳)	جایگاه کتاب‌ها و مقاله‌های منتشرشده پژوهشگر در میان منابع درسی رسمی اعلام‌شده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا دانشگاه‌های تابعه آنها؛ تعداد کتاب‌ها، مقاله‌ها و سایر آثار برگزیده پژوهشگر در جشنواره‌ها، همایش‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی؛ نسبت تولیدات علمی به سن پژوهشگر؛ اثربخشی تولیدات علمی پژوهشگر در دوره‌های آموزشی و آزمون‌های رسمی
نوروزی چاکلی، قضاوی و طاهری (۱۳۹۴)	استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی و کتاب‌سنجی نرمال‌شده و تعدیل‌شده برای هر حوزه؛ در نظر گرفتن تفاوت میان حوزه‌های مختلف و آگاهی از میزان ارزش و وزن هر یک از تولیدات علمی در حوزه‌های مختلف و توجه به آن برای ارزیابی‌های خاص هر رشته
قانع‌راد (۱۳۹۶)	الگوی ارزیابی توسعه علوم انسانی شامل ۵ بعد: آموزش شامل دو بخش آموزش برای جامعه و آموزش دانشگاهی؛ پژوهش شامل سه بخش پژوهش آموزشی، پژوهش دانشگاهی و پژوهش برای جامعه؛ مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی شامل مشاوره و خدمات مردم‌مدار، مشاوره‌ها و خدمات سیاستی و خدمات دانشگاهی و مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی؛ و یادگیری

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اقدامات کلیدی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه در سطح کلان کشور، توجه به ارزیابی فعالیت‌های علمی و پژوهشی و به‌طور خاص، شناسایی و تدوین معیارها و شاخص‌ها برای ارزیابی این نوع از فعالیت‌هاست. تجربه جوامع توسعه‌یافته بیانگر آن است که توسعه متوازن و پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مستلزم توسعه علم و پژوهش است. اولین قدم در راستای توسعه علم و پژوهش، برنامه‌ریزی،

1 . Prins  
2 . Altmetrics

سیاست‌گذاری و شناخت هرچه دقیق‌تر نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و چالش‌هاست. وجود معیارهای قابل قبول یک امر مهم و کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علمی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف از جمله علوم انسانی و اجتماعی است.

مروری بر مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که تفاوت اهداف، کارکردها و ماهیت حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی با سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) و عدم وجود اجماع در مورد معیارهای ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و زیررشته‌های آنها، فرایند ارزیابی پژوهش‌های این حوزه را با مشکلاتی مواجه ساخته است. در پژوهش حاضر، با مرور نظام‌مند متون، به مطالعه ویژگی‌های خاص انتشارات علوم انسانی و اجتماعی و تفاوت آنها با حوزه‌های علوم پایه، طبیعی و مهندسی، بررسی مشکلات و چالش‌های استفاده از روش‌های کمی به‌ویژه روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی در ارزیابی پژوهش‌های این حوزه‌ها و معرفی روش‌ها، معیارها و راهکارهای پیشنهادی پژوهشگران برای ارزیابی انتشارات در علوم انسانی و اجتماعی پرداخته شد.

مروری بر یافته‌های پژوهش‌های مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت میان‌الگوهای انتشاراتی و استنادی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و سایر علوم (علوم پایه، طبیعی و مهندسی) و نیز تفاوت میان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نمی‌توان آنها را بر اساس روش‌ها و شاخص‌های یکسان مقایسه و ارزیابی کرد. در واقع، یک روش صرف که برای ارزیابی برون‌دادهای علمی در تمام حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کاربرد داشته باشد وجود ندارد.

بر اساس نتایج مطالعات صورت‌گرفته، لازم است طیف وسیعی از معیارهای کیفیت را در ارزیابی تولیدات علمی در این حوزه‌ها و زیرحوزه‌های آنها در نظر گرفت. همان‌طور که اوکسندر، هاگ و دنیل (۲۰۱۶) اشاره می‌کنند که پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی، رویکرد کیفی را برای ارزیابی تولیدات علمی خود ترجیح می‌دهند. ارزیابی تولیدات علمی به‌وسیله معیارهای کیفی، فرصت‌هایی را برای ارزیابی مؤثر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی فراهم می‌کند، درحالی‌که شاخص‌های کمی برای ارزیابی این حوزه‌ها دارای محدودیت‌هایی هستند و اغلب از سوی پژوهشگران این حوزه‌ها، پذیرفته نیستند. باید توجه داشت که از روش‌های کمی کتاب‌سنجی و علم‌سنجی، نمی‌توان به‌عنوان یک ابزار صرف در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی استفاده کرد؛ زیرا این روش‌ها نمی‌توانند تنوع اثرات، کاربردها و اهداف پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی را مدنظر قرار دهند. یکی از بزرگ‌ترین انتقادی که توسط پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در استفاده از روش‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی مطرح شده، عدم توانایی این روش‌ها در اندازه‌گیری کیفیت است. البته باید توجه داشت که به دلیل اینکه رویکردهای کمی از گذشته، به‌عنوان یک روش مهم ارزیابی برون‌دادهای علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی مطرح بوده‌اند و در آینده نیز ممکن است تا حدودی به همین صورت باشد، لازم است توسعه رویکردهای کمی نیز به‌عنوان روش‌های تکمیلی در کنار رویکردهای کیفی مورد توجه قرار گیرند. شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده برای این حوزه‌ها باید ترکیبی از شاخص‌های کمی و کیفی باشند.

طبق مطالعات انجام‌شده، با توجه به اینکه کتاب‌ها و تک‌نگاشت‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و بخشی از علوم اجتماعی نقشی مهم دارند و استنادات بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند، لازم است در ارزیابی‌های تولیدات علمی در این حوزه‌ها، به این منابع وزن بیشتری اختصاص یابد. مسئله دیگری که در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی باید توجه داشت، بازه زمانی طولانی مورد نیاز برای سنجش تأثیر پژوهش‌های این حوزه‌هاست. بنابراین در

روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

ارزیابی‌ها باید نحوه توزیع استنادات به یک منبع در طول زمان طولانی‌تری مدنظر قرار گیرد. یافته‌های شماری از مطالعات نشان دادند که پوشش پایگاه‌های استنادی بین‌المللی مانند وب آو ساینس و اسکوپوس برای تولیدات علمی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی کافی نیستند و امکان ارزیابی پژوهش‌های این حوزه‌ها را به‌طور مؤثر فراهم نمی‌کنند. به همین منظور، استفاده از گوگل اسکالر جهت تحلیل استنادات کتب و مقالات این حوزه‌ها از سوی شماری از پژوهشگران این حوزه‌ها پیشنهاد شده است. از طرفی، ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی جامع در سطح ملی برای پوشش کلیه تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی ضروری است. ایجاد چنین پایگاه جامعی سبب می‌شود انتشارات و پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی قابل رؤیت شود، امکان بازیابی مؤثرتر اطلاعات برای متخصصان این حوزه‌ها فراهم شود و ارزیابی کارآمدی و تأثیر انواع خروجی پژوهش‌ها (کتاب، مقالات و غیره) در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی را به نحو مؤثرتری ایجاد نماید.

### پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش

- با توجه به نقش مهم کتاب‌ها در علوم انسانی و بخشی از علوم اجتماعی و اختصاص استناد بیشتر به این منابع، لازم است در ارزیابی‌های تولیدات علمی در این حوزه‌ها، اعتبار بیشتری برای شاخص‌های مربوط به کتاب در نظر گرفته شود؛
- یک پایگاه اطلاعاتی جامع در سطح ملی برای پوشش کلیه تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به‌منظور تسهیل فرایند ارزیابی در این حوزه‌ها ایجاد شود؛
- به‌طور پیوسته کمی‌سنجی از متخصصان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تشکیل شود تا به شناسایی شاخص‌های متناسب با این حوزه‌ها به‌طور کلی و شاخص‌های مربوط به هرکدام از رشته‌های زیرمجموعه این علوم به‌طور اختصاصی بپردازند و این شاخص‌ها به‌طور مرتب روزآمد شده و مورد بازبینی قرار گیرند.

### پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- انجام مطالعاتی در خصوص شناسایی روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به‌طور کلی و روش‌ها و شاخص‌های مربوط به هر یک از رشته‌های زیرمجموعه این علوم متناسب با ماهیت و ویژگی‌های این حوزه‌ها؛
- انجام پژوهش‌هایی در خصوص شناسایی شاخص‌های ویژه جهت ارزیابی هر یک از تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی شامل کتاب‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی و غیره؛
- انجام مطالعاتی در خصوص چالش‌های احتمالی آینده در مسیر ارزیابی انتشارات علوم انسانی و اجتماعی و راهکارهایی در جهت رفع این چالش‌ها.

### فهرست منابع

افشاری، معصومه. مهram، بهروز. نوغانی، محسن. (۱۳۹۲). بررسی و تدوین شاخص‌های ارزیابی کیفیت مقاله‌های علمی - پژوهشی در حوزه علوم انسانی مبتنی بر نظریه هنجارهای علم مرتون. *سیاست علم و فناوری*، ۶ (۱)، ۴۹-۶۶.

بختیاری، آمنه. (۱۳۸۵). راهکارهای ارتقای علوم انسانی؛ ترویج تفکر انتقادی و خلاق. کنگره علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01\\_156.html](https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01_156.html)

پاریاد، رحمان. (۱۳۸۷). چالش‌های فراروی تحقیقات در حوزه علوم انسانی. کنگره ملی علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01\\_112.html](https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01_112.html).

حسینی، غلامرضا؛ مراثی، محسن؛ نورمحمدی، حمزه‌علی. تحلیل و تدوین شاخص‌های ارزیابی کیفیت مقالات علمی-پژوهشی هنر، مبتنی بر نظریه‌های هنر و ضد‌هنرهای علم. پژوهشنامه علم‌سنجی.

خورشیدی، غلامحسین؛ پیشگاهی، شیوا. (۱۳۹۱). پیش‌نیازها و موانع تحقیق توسعه علوم انسانی میان‌رشته‌ای. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. ۴ (۲)، ۱-۱۵.

داورپناه، محمدرضا. (۱۳۸۶). چالش‌های علم‌سنجی در علوم انسانی. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*. ۸ (۲)، ۱-۳۰.

داورپناه، محمدرضا. (۱۳۸۹). شاخص‌توان علمی: الگویی برای سنجش و مقایسه باروری علمی رشته‌ها. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۳ (۳)، ۲۰-۳۰.

رضایی، مینا؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا. (۱۳۹۴). شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی دانشگاه‌های ایران. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴۹ (۲)، ۲۱۳-۲۳۷.

رضایی، مینا؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا. (۱۳۹۳). شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران ایران. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*. ۳۰ (۱)، ۳-۳۹.

ساکي، رضا. (۱۳۸۵). تفکر نظام‌گرا؛ پیش‌نیاز توسعه پژوهش در حوزه علوم انسانی. کنگره ملی علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01\\_141.html](https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01_141.html)

شمشیری، بابک. (۱۳۸۵). آگاهی‌بخشی و نقادی: بنیادی‌ترین کارکردهای علوم انسانی. کنگره ملی علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01\\_142.html](https://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01-SOCIALSCIENCECONF01_142.html)

صمدی، لاله؛ ناخدا، مریم؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا و اسدی، سعید. (۱۳۹۷). استناد و استناددهی در ارزیابی‌های حوزه هنری: مسائل و چالش‌ها؛ مطالعه موردی رشته نقاشی. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۵ (۲۳)، ۷۷-۹۴.



روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی تولیدات علمی در علوم انسانی و اجتماعی: مرور نظام‌مند

صمدی، لاله؛ ناخدا، مریم؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ اسدی، سعید. (۱۳۹۸). چالش‌های آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی برای هم‌ترازسازی سنجش و ارزیابی بهره‌وری علمی پژوهشگران رشته موسیقی در ایران. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۹ (۱)، ۸۴-۵۹.

فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۴). کدام معیار؟ بررسی‌ای انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم انسانی در ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۱۲ (۳۰)، ۴۴-۱.

قاسمی، علی‌اصغر؛ امامی میبدی، راضیه. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی کشور. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. ۷ (۴)، ۱۹-۱.

قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۹۵). *الگوی چهار وجهی برای ارزیابی توسعه علوم انسانی*. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قانع‌راد، محمدامین. محمودی، مریم. ابراهیم‌آبادی، حسین. (۱۳۹۶). تدوین الگوی چندوجهی ارزیابی توسعه علوم انسانی. *سیاست علم و فناوری*. ۹ (۱)، ۸۵-۱۰۳.

مختاری، حیدر؛ میرزایی، عباس. (۱۳۹۵). تفاوت‌های علوم تجربی، علوم اجتماعی و علوم انسانی از نگاه شاخص‌های علم‌سنجی مؤسسه اطلاعات علمی (ISI). *مجله علم‌سنجی کاسپین*. ۳ (۱)، ۲۳-۲۹.

مرادی، مرتضی. (۱۳۹۳). گذر پارادایمی از پژوهش‌های کمی به پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی. *رهافت*، ۲۴ (۵۷)، ۹۳-۱۱۶.

میرزایی، الهام. غائبی، امیر. کامران، معصومه. (۱۳۹۲). معیارهای ارزیابی نشریات علمی در سطح ملی و بین‌المللی: دیدگاه سردبیران و دست‌اندرکاران نشریات علمی فارسی در حوزه علوم انسانی. *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۲۴ (۲)، ۱۳۸-۱۵۸.

نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ قضاوی، رقیه؛ طاهری، بهجت. (۱۳۹۴). ارزش‌گذاری شاخص‌های ارزیابی پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم در ایران. *سیاست علم و فناوری*، ۷ (۴)، ۱۲-۱.

Archambault, E.; Vignola-Gagne, E.; Cote, G.; Lariviere, V.; Gingras, Y. (2006). Benchmarking scientific output in the social sciences and humanities: The limits of existing databases. *Scientometrics*. 68(3), 329-342.

Bornmann, L.; Thor, A.; Marx, W.; Schier, H. (2016). The Application of Bibliometrics to Research Evaluation in the Humanities and Social Sciences: An Exploratory Study Using Normalized Google Scholar Data for the Publications of a Research Institute. *Journal of The Association For Information Science And Technology*. 67(11), 2778-2789.

- Bunia, R. (2016). Quotation Statistics and Culture in Literature and in Other Humanist Disciplines. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 133-150.
- Chen, K. H.; Tang, M. C.; Wang, C. M.; Hsiang, J. (2015). Exploring alternative metrics of scholarly performance in the social sciences and humanities in Taiwan. *Scientometrics*, 102(1), 97-112.
- De Loe, R. C.; Melnychuk, N.; Murray, D.; Plummer, R. (2016). Advancing the state of policy Delphi practice: A systematic review evaluating methodological evolution, innovation, and opportunities. *Technological Forecasting and Social Change*. (104), 78-88.
- De Marchi, M.; Lorenzetti, E. (2016). Measuring the Impact of Scholarly Journals in the Humanities Field. *Scientometrics*, 106(1), 253-61.
- Finkenstaedt, T. (1990). Measuring research performance in the humanities. *Scientometrics*, 19 (5), 409-417.
- Gimenez Toledo, E. (2016). Assessment of Journal & Book Publishers in the Humanities and Social Sciences in Spain. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 91-102.
- Gimenez Toledo, E. (2018). Research assessment in the Humanities and the Social Sciences in review. *Revista Española de Documentación Científica*, 41(3), 1-14.
- Gimenez-Toledo, E.; Roman, A. (2009). Assessment of humanities and social sciences monographs through their publishers: a review and a study towards a model of evaluation. *Research Evaluation*, 18(3), 201-213.
- Hammarfelt, B. (2012). Harvesting footnotes in a rural field: citation patterns in Swedish literary studies. *Journal of Documentation*, 68(4), 536-558.
- Hammarfelt, B. (2014). Using Altmetrics for Assessing Research Impact in the Humanities, *Scientometrics*, 101(2), 1419-30.
- Hammarfelt, B. (2016). Beyond Coverage: Toward a Bibliometrics for the Humanities. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 115-132.
- Huang, M.; Chang, Y. (2008). Characteristics of Research Output in Social Sciences and Humanities: From a Research Evaluation Perspective. *Journal of The American Society For Information Science And Technology*. 59(11), 1819-1828.
- Hug, S. E.; Ochsner, M.; Daniel, H. D. (2013). Criteria for assessing research quality in the humanities: A Delphi study among scholars of English literature, German literature and art history. *Research Evaluation*, 22(5), 369-383.

- Konig, T. (2016). Peer Review in the Social Sciences and Humanities at the European Level: The Experiences of the European Research Council. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 151-164.
- Kousha, K.; Thelwall, M. (2009). Google book search: Citation analysis for social science and the humanities. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. 60(8): 1537-49.
- Krull, W.; Tepperwien, A. (2016). The Four 'I's: Quality Indicators for the Humanities. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 165-180.
- Lamont, M. Guetzkow, J. (2016). How Quality Is Recognized by Peer Review Panels: The Case of the Humanities. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 31-42.
- Miri, M.; Bahmani, P. (2012). Indexing in ISI Web of Sciences: The opportunities and threats. *Jundishapur Journal of Microbiology*. 5(2), 381-383.
- Mohammadi, E.; Thelwall, M. (2014). Mendeley Readership Altmetrics for the Social Sciences and Humanities: Research Evaluation and Knowledge Flows. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 65(8), 1627-38.
- Nederhof, A. J. (2006). Bibliometric monitoring of research performance in the social science and the humanities: a review. *Scientometrics*. 66 (1), 81-100.
- Nederhof, A. J.; Zwaan, R. A. (1991). Quality judgements of journals as indicators of research performance in the humanities and the social and behavioral sciences. *Journal of the American Society for Information Science*, 42(5), 332-340.
- Nederhof, A. J.; Zwaan, R. A.; De Bruin, R. E.; Dekker, P. J. (1989). Assessing the usefulness of bibliometric indicators for the humanities and the social science: a comparative study. *Scientometrics*. 15 (6), 423-35.
- Noroozi Chakoli, A.; Ghazavi, R. (2016). Normalization and Valuation of Research Evaluation Indicators in Different Scientific Fields. *Journal of Information Science Theory and Practice*, 2(1), 21-29.
- Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (2012). Four types of research in the humanities: Setting the stage for research quality criteria in the humanities. *Research Evaluation*, 22(2), 79-92.
- Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (2016). Humanities Scholars' Conceptions of Research Quality. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities: Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 43-69.

- Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (2014). Setting the stage for the assessment of research quality in the humanities. Consolidating the results of four empirical studies. *Zeitschrift für Erziehungswissenschaft*, 17(6), 111-132.
- Ochsner, M.; Hug, S.; Galleron, I. (2017). The future of research assessment in the humanities: bottom-up assessment procedures. *Palgrave Communications*, (3), 1-12.
- Okoli, C.; Schabram, K. (2010). A Guide to Conducting a Systematic Literature Review of Information Systems Research, Sprouts: Working Papers on Information Systems. 10(26). Available at: [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1954824](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1954824)
- Pajic, D. (2014). Globalization of the social sciences in Eastern Europe: genuine breakthrough or a slippery slope of the research evaluation practice. *Scientometrics*, 102(3), 2131-2150.
- Pontille, D.; Torny, D. (2010). The controversial policies of journal ratings: evaluating social sciences and humanities. *Research Evaluation*, 19(5), 347-360.
- Prins, A. A. M.; Costas, R.; van Leeuwen, T. N.; Wouters, P. F. (2016). Using Google Scholar in Research Evaluation of Humanities and Social Science Programs: A Comparison with Web of Science Data. *Research Evaluation*, 25(3), 264-70.
- Reale, E. et al. (2017). A review of literature on evaluating the scientific, social and political impact of social sciences and humanities research. *Research Evaluation*. 24(4), 298-308.
- Ren, Q.; Gong, X. (2012). Evaluation index system for academic papers of humanities and social sciences. *Scientometrics*. 93(3), 1043-1060.
- Sivertsen, G. (2015). Patterns of internationalization and criteria for research assessment in the social sciences and humanities. *Scientometrics*, 107(2), 357-368.
- Sivertsen, G.; Larsen, B. (2012). Comprehensive bibliographic coverage of the social sciences and humanities in a citation index: An empirical analysis of the potential. *Scientometrics*, 91(2), 567-575.
- Stierstorfer, K.; Schneck, P. (2016). '21 Grams': Interdisciplinarity and the Assessment of Quality in the Humanities. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 211-218.
- Thelwall, M.; Delgado, M. M. (2015). Arts and humanities research evaluation: no metrics please, just data. *Arts and humanities research evaluation*. 71(4), 817-833.
- Torres-Salinas, D.; Moreno-Torres, J. G.; Delgado-Lopez-Cozar, E.; Herrera, F. (2011). A methodology for Institution-Field ranking based on a bidimensional analysis: the IFQ 2 A index. *Scientometrics*, 88(3), 771-786.
- Torres-Salinas, D.; Rodriguez-Sánchez, R.; Robinson-Garcia, N.; Fdez-Valdivia, J.; García, J. A. (2013). Mapping Citation Patterns of Book Chapters in the Book Citation Index. *Journal of Informetrics*, 7(2), 412-24.

- Van den Akker, W. (2016). Yes We Should; Research Assessment in the Humanities. In: Ochsner, M.; Hug, S. E.; Daniel, H. D. (eds). *Research Assessment in the Humanities. Towards Criteria and Procedures*. Springer International Publishing: Cham, Switzerland, pp. 23-30.
- Van Leeuwen, T. (2006). The application of bibliometric analyses in the evaluation of social science research, who benefits from it, and why it is still feasible. *Scientometrics*. 66(1), 133-54.
- W East, J. (2006). Ranking Journals in the Humanities: An Australian Case Study. *Australian Academic & Research Libraries*, 37(1), 3-16.
- Waltman, L.; van Eck, N. J.; van Leeuwen, T. N.; Visser, M. S.; van Raan, A. F. (2011). Towards a new Crown indicator: Some theoretical considerations. *Journal of Informetrics*, 5(1), 37-47.